

عنوان مقاله:

تحلیل انتقادی برداشت های گروه فرقان از نهج البلاغه

محل انتشار:

دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، دوره 54، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 24

نویسندگان:

یحیی میرحسینی - دانشیار دانشگاه میبد

رضا کریمی - دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه میبد

محمد رضا ملک ثابت - استادیار دانشگاه میبد

خلاصه مقاله:

در دهه های قبل و پس از انقلاب اسلامی، احزاب و گروه های بسیاری پدید آمدند که برای عضوگیری از مردم ایران، لازم بود ایدئولوژی خاصی را تهیه و ارائه کنند. بخش معتنابهی از این گروه ها، یا مدعی بودند همه مبانی خود را از دین گرفته اند و یا آنکه در کنار دیگر منابع، به آموزه های مذهبی نیز توجه داشته اند. یکی از این احزاب، گروه فرقان بود که بیش از همه، چهره خشونت بارش در ترور ها در ذهن متبادر می شود و کمتر به مبانی فکری آنها پرداخته شده است. در اعتقادنامه این گروه با نام خودخوانده «ایدئولوژی توحیدی»، بیش از همه از آیات قرآن استفاده شده است. در رتبه بعد، این سخنان حضرت علی(ع) بود که بسیار بدان استناد می شد تا جایی که این ضرورت به نگارش شرحی به نام «فروع نهج البلاغه» انجامید. حال این نوشتار که به روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، تلاش می کند نگرش فرقانیسم به نهج البلاغه را مورد مذاقه قرار داده، مهم ترین نقدهای وارد بر آن را نشان دهد. مروری بر آثار رهبران این گروه نشان می دهد نه تنها تاویل گزاره های سیاسی اجتماعی، بلکه مفاهیم اعتقادی و اخلاقی نیز سرلوحه فعالیت آنها بوده است. نتایج نشان می دهد مهم ترین نقدها به استنباط های این گروه، تسلط رویکرد کارکردگرایی و بی توجهی به اصول و قواعد فقه الحدیث است.

کلمات کلیدی:

نهج البلاغه، گروه فرقان، کارکردگرایی، تاویل، فقه الحدیث

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1519400>

